

بهاران خجسته باد

ای دل من گرچه در این روزگار
جامه رنگین نمی پوشی به کام
باده رنگین نمی بینی به جام
نقل و سبزه در میان سفره نیست
جامت از آن می که می باید تهی است
ای دریغ از تو اگر گل نرقصی با نسیم
ای دریغ از من اگر مستم نسازد آفتاب
ای دریغ از ما اگر کامی نگیریم از بهار
گر نکوبی شیشه غم را به سنگ
هفت رنگش می شود هفتاد رنگ

- کشاورزان شرق استان اصفهان با تجمع تراکتوری اعتراضی نسبت به عدم اختصاص حقآبه سال 1403 را پشت سر گذاشتند و سال 1404 را آغاز کردند

- بیانیه تحلیلی انجمن صنفی معلمان کوردستان (سنندج، سقز و زیویه، مریوان و سروآباد) سالی که گذشت

دولت های مختلف و گام های نامیمون به سوی اضمحلال نظام آموزشی در ایران

*کشاورزان شرق استان اصفهان با تجمع تراکتوری اعتراضی نسبت به عدم اختصاص حقآبه سال 1403 را پشت سر گذاشتند و سال 1404 را آغاز کردند



فیلم منتشره در شبکه های اجتماعی بتاريخ یکم فروردین، از تازه کردن سال کشاورزان با تجمع تراکتوری اعتراضی نسبت به عدم اختصاص حقآبه، خبر می دهد.

در همین رابطه: ادامه اعتراضات کشاورزان نسبت به عدم اختصاص حقآبه با تجمع تراکتوری در جاده انرژی اتمی و سردادن شعار «آب زاینده رود حق مسلم ماست»

فیلم منتشره در شبکه های اجتماعی بتاريخ 29 اسفند، از ادامه اعتراضات کشاورزان نسبت به عدم اختصاص حقآبه با تجمع تراکتوری در جاده انرژی اتمی و سردادن شعار «آب زاینده رود حق مسلم ماست»، خبر می دهد.

***بیانیه تحلیلی انجمن صنفی معلمان کوردستان (سنندج، سقز و زیویه، مریوان و سروآباد)**

سالی که گذشت

دولت های مختلف و گام های نامیمون به سوی اضمحلال نظام آموزشی در ایران

به رسم سنت دیرینه مردمان جامعه متکثر، متنوع و چند ملیتی ایران، در سال نو برای همه آرزوی سربلندی، پیروزی و شادکامی داریم و با نگاه به سالی که گذشت و تحلیل وضع موجود سعی داریم چراغی به سهم خود در این تاریکی فقر و استبداد بر افروزیم تا آیندگان را به سوی آینده ای بهتر رهنمون باشد.

سال ۱۴۰۳ در حالی آغاز شد که فضای تخریبی مدارس تخریبی تر و مدارس با کمبود شدید معلم روبرو بود، طوری که برای جبران ده ها هزار نیروی مورد نیاز، مدیران آموزش و پرورش دست به دامان بازنشستگان شدند و برای وادار کردن همکاران شاغل جهت پوشش کلاسهای درس قول پرداخت به موقع و ماهانه اضافه کاری و حق التدریس دادند، اما با این حال بعضا در برخی مدارس خصوصا مدارس حاشیه ای بعضی از کلاسها قریب دو ماه فاقد معلم بودند و بسیاری از دروس هم بر عهده معلمان غیرمرتبط گذاشته شد تا صرفا کلاسها بدون نیروی آموزشی نباشند. طبعا درک

آسیب‌های ناشی از این اقدامات در ابعاد آموزشی و تربیتی منحصر به متخصصان این حوزه نیست بلکه اکثر فرهنگیان، دانش‌آموزان و اولیای آنها این آسیب‌ها را درک می‌کنند و از نزدیک با آن مواجه‌اند.

در سالی که گذشت وزیری امورات بزرگترین نهاد آموزشی کشور را بر عهده گرفت که نه تنها درکی از آموزش و آموزش به روز ندارد بلکه بر سنت اسلاف خود سعی در توسعه دایره ایدئولوژیک کردن مدارس از راه وادار کردن دانش‌آموزان به مساله عبادی نماز داشت که اساسا امری شخصی است و از راه استخدام طلاب سعی در پیشبرد اهداف غیر آموزشی خود نمود، اقداماتی که شکست آن از قبل آشکار بود، طوریکه برخی طلاب در نیمه سال زحمات ناشی از تدریس را تاب نیاوردند و حقوق معلمی هم چنگی به دل نزد و کلاسها را خالی گذاشتند و در پی کاری ساده‌تر و نان و آب دارتر از آموزش و پرورش بر آمدند.

محتوای کتب درسی همچنان سبب نارضایتی معلمان، خستگی دانش‌آموزان و اعتراض آنها و بیشتر والدین بود. عملا کلاسهای درس و محتوای آموزشی کتب درسی نشان دهنده فاصله حاکمیت با نسل نو و نگاه آنها به جهان و آرزوهایشان است، چنانکه حتی با گذاشتن افراد حوزوی در برخی مدارس دخترانه برای کنترل آنچه حجاب اسلامی و ترویج نماز می‌خواندند مرادشان حاصل نشد و به شکستی دیگر انجامید، عجا که همچنان بر این راه ناصواب اصرار و ابرام می‌ورزند!!

در اکثر کشورهای جهان خصوصا در کشورهای پیشرفته تنها متولی امر آموزش که ردیف بودجه مشخص و مکفی دارد آموزش و پرورش است اما در ایران چندین نهاد دیگر بدون اندک تاثیرگذاری دارای ردیف بودجه هستند و بخش زیادی از همان بودجه‌ای که به آموزش و پرورش اختصاص می‌یابد صرف تبلیغات و پروپاگانداي حاکمیت در مناسبت‌های مختلف می‌شود که حاصلی جز هدر دادن پول و سرمایه‌های کشور نداشته و آسیب‌های ناشی از این بی توجهی در زوایای مختلف آن در کوتاه مدت و بلند مدت گریبان جامعه را خواهد گرفت.

در سال گذشته نه تنها به این پرسش مردم و فعالین صنفی که عاملین و آمرین شیمیایی کردن مدارس در جریان جنبش #ژینا چه کسانی بودند پاسخی داده نشد بلکه چندین مسمومیت دیگر در مدارس دخترانه در شهرهای مختلف اتفاق افتاد و مسئولین و نهادهای امنیتی بجای جوابگویی به مردم بار دیگر به پاک کردن صورت مساله روی آوردند و سوال کنندگان از آن وضعیت اسفبار مدارس در جریان جنبش ژن ژیان نازادی (زن زندگی آزادی) را با انگ و اتهام امنیتی روانه زندان کردند.

توسعه مدارس پولی و بی توجهی به مدارس دولتی، در آزمونهای مختلف از جمله کنکور خود را نشان داد. طبق آمارهای رسمی بالاتر از ۸۰٪ قبولی های کنکور در دانشگاههایی که دارای شاخص‌های بهتر آموزشی بودند به مدارس خاص اختصاص یافت و قاطبه مردم، فعالین صنفی و دانش‌آموزان با یاس و سرخوردگی ناظر این تبعیض و نابرابری و عدم توازن در این رقابت بودند.

در آزمون پرلز که به سنجش سواد خواندن و نوشتن می‌پردازد خبر از وضعیت بد و رتبه بسیار پایین ایران در این آزمون می‌دهد که بدون شک مانع تراشی برای تدریس به زبان مادری یکی از عوامل مهم آن می‌باشد، در آزمون تیمز نیز که به یادگیری ریاضیات می‌پردازد در میان 64 کشور

جهان، ایران رتبه 54 را دارد این دو آزمون نشان‌دهنده افت تحصیلی همه جانبه در بین دانش آموزان است.

باز هم ترک تحصیل دانش‌آموزان در مقاطع مختلف رکورد زد و به اعتراف مسئولین از یک میلیون فراتر رفت، آمارهای غیر رسمی بر ارقامی به شدت بالاتر اشاره دارند.

این وضعیت نظام آموزشی نوعی سوق دادن به سوی جوامع "کاست"ی است که آموزش را به کالایی دور از دسترس و تجملی تبدیل می‌کند

طوری که هر خانواده‌ای اگر ده‌ها میلیون تومان خرج فرزندش نکند از قافله رقابت عقب می‌ماند و سرخوردگیهای ناشی از آن هم دانش آموز و هم خانواده‌ها را درگیر می‌کند و به بازتولید فقر، نابرابری و بزه اجتماعی می‌انجامد. نمونه واقعی و دردناک آن قتل دانشجوی دانشگاه تهران (امیر محمد خالقی) برای قاپیدن یک گوشی یا لپ تاب در اطراف کوی دانشگاه توسط سارقین بود.

در فضای مجازی هر روز می‌توان ده‌ها مورد از این سرقتها را دید که حتی به مادران سالخورده هم رحم نمی‌کنند، مشخصاً وضعیت کنونی و ناامنی‌های موجود بخشی از آن به عدم توجه به آموزش کشور و ترک تحصیل میلیونی دانش آموزان بر می‌گردد و در مقیاسی وسیع‌تر به فلاکتی که دامان مملکت را گرفته است. سارقان خرده‌پا محصول شرایطی هستند که اختلاسگران ملیلیارد دلاری از سویی و فاصله سرسام آور طبقاتی از سوی دیگر ایجاد کرده‌اند. اکنون زنگهای هشدار دلسوزان، فعالین صنفی، مدنی و سیاسی برای بیدار کردن مسئولان اثرات خود را از دست داده است، لاجرم باید ناقوسها را به صدا در آورد.

سرکوب معلمان و اتهامات تکراری، اجتماع و تبنایی، تبلیغ علیه نظام و تشویش اذهان عمومی چنان ساییده شده و فاقد اثرند که هر کسی با این عناوین و اتهامات در بیدادگاه‌ها قرار می‌گیرد مردم خود را با آنها همدل نشان می‌دهند. احکام سنگین معلمان #البرز، #فارس، #خوزستان و پرونده سازیهای مختلف توسط تیم فاقد عقل و اندیشه آموزشی در آموزش و پرورش استان کوردستان# از انفصال، اخراج، بازنشستگی پیش از موعد و حتی صدای مسئولین استانداری را هم در آورد و از ارقام پرونده‌سازی بین 400 تا 1600 پرونده سخن به میان می‌آید و همچنان مسئولان نا کارآمدی‌هایشان را در پوشش امنیتی پنهان می‌کنند و خوش خدمتی برای مافوق چون مریدانی حلقه به گوش را در انتها درجه آن به‌انجام می‌رسانند تا از این نمذ گندیده و فاسد بوروکراسی موجود کلاهی برای خود بدوزند.

بازنشستگی که عمر و جوانی خود را با همه کمبودها عاشقانه صرف آموزش و تربیت فرزندان این سرزمین کردند چنان مورد بی اعتنایی قرار گرفته‌اند که انگار باری بر دوش دولت هستند!! در حالیکه ارقام ناچیز پاداش بازنشستگی از حقوق آنها در ایام اشتغال کسر شده و اکنون با منت و در چندین قسط پرداخت می‌شود که عملاً در برابر تورم لحام گسیخته هیچ گرهی از مشکلات زندگی آنها نمی‌گشاید. اما آنچه قابل توجه است این است که برای ده‌ها بار در سال گذشته خیابان را محل اعتراض و مطالبه‌گری حق‌طلبانه خود قرار دادند و الگویی برای دیگر بازنشستگان کشوری و لشکری شدند. سه‌شنبه‌های اعتراضی آنان نامی ماندگار در تاریخ حق‌خواهی و مطالبه‌گری خواهد بود.

دانش آموزان نخبه در **#کرمان** با اتوبوسی مستهلک به قربانگاه فرستاده می‌شوند و داستان تلخ مرگ آرزوهایشان در آتش بی مسئولیتی مدیرانی که جز کنترل و نگاه امنیتی به آموزش، آموزشی ندیده‌اند دود می‌شود! چنانکه دختران **#شین‌آباد** سوختند و بچه‌هایی که در روستای **#نشکاش** هورامان بر روی مین رفتند و چشمهایشان برای همیشه تاریک و پاهای کوچکی‌شان از رفتن باز ماند و ده‌ها مورد دیگر که هیچگاه هیچ مسئولی را تکان نداد بلکه جاپایشان برای ندانم کاریها و فضاحت‌هایی که به با آورده‌اند را چه بسا محکمتر کرده و وقیحانه‌تر مناصب بر سبیل مناسکی گرفتند که جامعه به خوبی به روند آن آگاه است.

حقوق ناچیز معلمان و افزایش به‌نام 20% در سال پیش رو از هم اکنون که در آخرین روزهای سال 1403 هستیم در مقابل تورم بالای 40% و آزاد شدن فنر افزایش قیمت طلا و ارز، معلمان را بیشتر از پیش به زیر خط فقر رانده و به فلاکت نزدیک کرده که امکان خیزش دوباره جنبش معلمان در سال آتی و شعله‌ور شدن آتش خشم آنها و برگشتن به خیابان دور از انتظار خواهد بود و این همگام با دیگر اقشار خصوصاً سایر مزد بگیرانی خواهد بود که رنج ناشی از فقر و بیکاری نه‌تنها سفره آنها را کوچک کرده بلکه به تهدیدی غذایی برای خانواده‌هایشان تبدیل شده است.

کمبود و بحرانه‌های گوناگون در حوزه‌های مختلف که تحت عناوینی چون ناترازی ورد زبان مسئولان شده است حاصل ناکارآمدی سیستماتیک حاکمیت در ابعادی گسترده است. ناترازی بخش انرژی بیشتر از همه حوزه آموزش کشور را تحت تاثیرات منفی خود قرارداد و به کرات مدارس را به تعطیلی کشاند، تصمیمی که درجه اهمیت بزرگترین نهاد دولت را نزد مسئولان به خوبی نشان داد و نشان داد که آموزش اولویت چندم آنها هم نیست! ولی تجمع و تحصن قانونی معلمان که با تعطیلی دو الی سه روزه کلاسهای درس انجام گرفت و هدف آن توجه بیشتر به آموزش کشور و معیشت و کرامت معلمان بود در جهت اخلال در امر آموزش تعبیر شد و جرم انگاری گردید و این هنر نداشته حضرات در مدیریت بزرگترین دستگاه دولتی کشور را به خوبی هویدا کرد. البته به جهت اینکه مسئولان کشوری و استانی فرزندان‌شان در مدارس خاص و پولی تحصیل می‌کنند درک این شرایط برایشان دشوار است و اساساً از این موضوع ذهنیتی ندارند.

وقتی همسر حداد عادل در رسانه ملی (بخوانید میلی) مدارس دولتی تهران را که حاصل چند دهه حکومت خود آقایان است برای تربیت فرزندش مناسب نمی‌داند و در کوتاهترین زمان ممکن مدرسه‌ای خاص برایش تدارک می‌بیند تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل رنج آور و تباهی روز افزون و تبعیض نهادینه شده!

در این روزهای پایان سال انجمن صنفی معلمان کوردستان هشدار می‌دهد آموزش در کشور روبه اضمحلال است، بر این مبنا از همه مردم و معلمان شریف می‌خواهد نسبت به وضع موجود حساس باشند و در پیگیری مطالبات، فعالین صنفی مستقل را یاری کنند.

راه توسعه و ترقی مملکت از آموزش و پرورش می‌گذرد مسلماً همتی همگانی و اراده‌ای جمعی می‌طلبد تا بتوانیم تغییری در خور ایجاد کنیم و به نسبتی از عدالت دست یابیم.

انجمن صنفی معلمان کوردستان (سنندج، سقز و زیویه، مریوان و سروآباد)

۳۰ اسفندماه سال ۱۴۰۳

akhbarkargari2468@gmail.com